

من وکالس چند پایه ام

ادریس عبداللّهی^۱

مدت دو سال است که در رستای باریکایی و در کلاس پنج پایه تدریس می‌کنم. در این دو سال، برای رسیدگی به همه پایه‌ها، کمبود وقت یکی از مشکلات اساسی من بوده است.

سال گذشته نتوانستم آنچه را که می‌خواهم، در کلاس پیاده کنم. در چند درس هم مقدار کمی از بودجه‌بندی عقب می‌ماندم. چه باید می‌کردم؟!

از داشن آموzman سؤالاتی را درباره نظر آن‌ها راجع به نحوه چیش کلاس و همکاری برخی از آن‌ها در آموzman پایه‌های پایین تر- مثلاً چهارمی‌ها به سومی‌ها- پرسیدم. از تعدادی از همکاران با سابقه‌تر نیز در این زمینه درخواست کمک کردم که بیشتر آن‌ها نیز این امر، یعنی کمبود وقت را یکی از مشکلات اشان می‌دانستند، اما راه حلشان فقط این بود که به اجرای قوانین خشک در کلاس توصیه می‌کردند! در اینترنت و کتاب‌ها نیز به دنبال راه حل رفت و به نتایجی دست پیدا کردم.

به هر حال، بزرگ‌ترین مشکلات معلمان چند پایه این هاست:

- نبود انگیزه در همکاران و عدم اقدام آن‌ها برای رفع مشکل؛

- نبود امکانات کافی در مدارس؛

- عدم اقدام آموzman و پرورش در برگزاری دوره‌های در زمینه تدریس کلاس‌های چند پایه.

راه‌های پیشنهادی

از میان سه مشکل فوق، من حداقل یکی را نداشتم و آن «عدم انگیزه» بود. پس باید خودم با انگیزه‌ای که داشتم، دو مشکل دیگر را حل می‌کرم. برای رفع مشکل تصمیم گرفتم به جای وضع قوانین خشک در کلاس و تحت فشار قرار دادن بجهه‌ها، از وقت‌های مرده بهترین استفاده را کنم و اتفاق وقت را به حداقل برسانم و تا حد امکان وسایل و امکانات را هم خود تهیه کنم، به شرحی که می‌خوانید:

راهکار اول: استفاده از لیزر برای نشان دادن مطلب یا شکلی در کلاس و یا اشاره به موضوعی یکی از موانع مهم در سر کار من سوالات‌های داشن آموzman بود که آن‌ها از گوشش و کنار کلاس می‌پرسیدند و من باید به همه آن‌ها جواب می‌دادم یا حداقل آن‌ها را راهنمایی



دیگر خود را برای مدرسه بفرستد، در حالی که شاگرد دیگری براساس کتاب‌ها و مدارک و اسناد موجود در مدرسه گزارشی تنظیم خواهد کرد. آموزگار چون برنامه عمل قابل قبولی را رو به راه یافت، به گروه اجازه می‌دهد که کارهای خود را سرگیرد. چون تحقیقات به پایان رسید، همه گزارش‌های بررسی، سنجیده، خلاصه و برای مراجعة بعدی ثبت می‌شوند. بدین‌سان، کودکان عادت می‌کنند که طرحی بریزنند و از روش آن را برای اجراد آورند. طبیعتانه در همه موارد می‌توان به این طریق عمل کرد و نه پیوند دادن مجموعه‌برنامه به کشاورزی یا به علوم روزتایی یا به توصیف موقعیت جغرافیایی و مطالعه محل امکان دارد. باید کتاب‌های درسی و کتاب‌های مرجع را برای تعلیم جغرافیا و تاریخ جهان و همچنین برخی از جنبه‌های علوم و ادبیات به کار برد. درس کلاسیک و مرسوم هنگامی که آشنا ساختن کودکان با یک عمل تازه حساب یا معلومات جدید در میان باشد و یا در موقع قدقان عوامل کمکی در آخرین وله باید به آن توسل جست: این روش برای آموزگار سبتاً آسان است، لیکن اگر شاگردان قادر باشند همان معلومات را با وسایل خاص خود کسب کنند، چندان فایده‌ای ندارد. هنگامی که اطفال دستان تک آموزگاره را به پایان می‌برند، بسیاری چیزها می‌دانند که نه در مدارس شهری تدریس می‌شود. نه در مدارسی که درس‌های مرسوم کلاسیک در آن‌ها مقررات است. شاگردان دستان تک آموزگاره عادت کردند که تنها و بینی معلم کار کنند و از آنچه آموخته‌اند بهره برگیرند. آنان قادرند تلاش دسته جمعی را به نفع عموم افراد جمع به سرانجام رسانند، برname عمل تنظیم کنند، خرافات را به دور افکنند و اندیشه‌های نو اختیار کنند. آنان محیط زندگی خود را خوب می‌شناسند و آماده آن‌که باید تازه‌ای از امکانات و ذخایر این محیط استفاده کنند.

سازمان دستان تک آموزگاره برایه مثل حکیمانه معروف «کار نیکو کردن از پر کردن است» مبتنی است. این همان اندیشه‌ای است که یک ضربالمثل قدیمی چیزی آن را بیان می‌کند. ضربالمثل این است: «آنچه شنیده‌ام از یاد می‌برم، آنچه خوانده‌ام به یاد می‌آورم، اما آنچه را عمل کرده‌ام به راستی می‌دانم.»

آموزش و پرورش،
باید هدفی اساسی
شمرده شود

نیاید از یاد برد
که اقتصادهای
ملی اگر متحصر از
متبنی بر کشاورزی
باشند، ناپایدار و
متزلزل اند. اقتصاد
کشور فقط از این
راه که مردم آن
محصول فراوان تری
بردارند و اغnam و
احشام بیشتری
پرورش دهند،
لزوماً بهبود نخواهد
یافت. آنچه لازم
است تولید کالاهای
مصرفی مرغوب
است به مقادیر
بیشتر و با هزینه
کمتر

برای رفع مشکل تصمیم گرفته به جای وضع قوانین خشک در کلاس و تحت فشار قرار دادن بجهه‌ها، از وقت‌های مرده بهترین استفاده را کنم و اتفاف وقت را به حداقل برسانم

می‌کرد و خودش نیز به سؤالاتی که از او می‌شد جواب می‌داد و نیز سؤالات دوستانش را بررسی می‌کرد. این کار هم حس کار گروهی دانشآموزان را افزایش می‌داد و هم نوعی خود ارزشیابی بود.

راهکار ششم: تنظیم برنامه‌ای هدفمند و قابل اجرا در بسیاری اوقات ناهمانگی و تداخل برنامه‌های کلاس‌ها باعث اتفاف وقت و ناهمانگی در کلاس می‌شود. من برای حل این مشکل برنامه را طوری تنظیم کردم که در هر زنگ با سه پایه به صورت محورهای ۲، ۱ و ۳ تدریس داشته باشم و با دو پایه دیگر به صورت فرعی. این مطلب هم از خستگی بیش از حد من جلوگیری می‌کرد و هم باعث می‌شد که دروس اولویت‌بندی شوند. با این روش، دروسی را که باهم همانگی بیشتر داشتند و تمرکز دانشآموزان پایه‌های دیگر را از بین نمی‌بردند، در یک زنگ قرار دادم.

گردآوری اطلاعات

هر کدام از راهکارهای بالا به من کمک کرد تا ضمن تسليط بیشتر بر دروس، کیفیت آموزشی کلاس نیز افزایش یابد که حاصل آن پیشرفت دانشآموزانم بود. در آزمون‌ها نیز دانشآموزان پیشرفت زیادی کردند. هر کدام از آن‌ها باید خود را در دوستانش را ارزشیابی می‌کرد. در فضای کلاس نیز نشاط بیشتری نمایان شده بود. من هم وقت بیشتری را کار دانشآموزانم برای تدریس در اختیار داشتم.



نتیجه‌گیری

اجرای هر کاری مشکلاتی را به همراه دارد و این امری اجتناب‌ناپذیر است. این مهم است که ما چگونه با این مشکلات رو به رو می‌شویم. آیا از مشکلات برای خودمان کوهی می‌سازیم که تا ابد باید به قله‌اش نگاه کنیم، یا اینکه «میم» را از مشکلات جدا می‌کنیم و آن را به شکل‌اتی برای شیرین کردن زندگی تبدیل می‌کنیم.

در آخر

آبی که برآسود زمینش بخورد زود دریا شود آن رود که پیوسته روان است

آیا از مشکلات
برای خودمان
کوهی می‌سازیم
که تا ابد باید به
قله‌اش نگاه کنیم،
یا اینکه «میم»
را از مشکلات
 جدا می‌کنیم و
آن را به شکل‌اتی
برای شیرین
کردن زندگی
تبدیل می‌کنیم

می‌کردم. مجبور بودم در هر لحظه از طرفی به طرف دیگر بروم و این موضوع باعث از دست دادن وقت زیادی در کلاس می‌شد. بیشتر سؤالات را می‌شد با یک اشاره جواب داد. برای همین از لیزر استفاده کردم و می‌توانستم از راه دور مطلبی را که می‌خواستم به دانشآموزانم نشان دهم.

راهکار دوم: چینیش کلاس به صورتی که فضای بیشتری برای حرکت در کلاس پیدا کنم کم بودن مساحت و فضای کلاس و چینیش نامناسب صندلی‌ها باعث می‌شد که من برای دسترسی به برخی از دانشآموزان مسافتی بیشتر را طی کنم که این هم باعث اتفاف وقت می‌شد. به همین دلیل با کمک بجهه‌ها صندلی‌ها را طوری چیدیم که حداقل اتفاف وقت در دسترس و حداقل متتمرکز کردن دانشآموزان را باعث شود.

راهکار سوم: استفاده از ساعت در مکانی مناسب برای تنظیم وقت کلاس
تنظیم نبودن زمان‌بندی برای تدریس در هر پایه، که ناشی از غرق شدن معلم هنگام تدریس در یک پایه خاص و بی‌توجه شدن به پایه‌های دیگر است، نیز از مشکلات من بود. برای رفع این مشکل نیز یک عدد ساعت تهیه کردم و آن را در محلی که بیشتر در دید من قرار داشت نصب کردم. با تنظیم دقیق وقت برای بجهه‌های هر پایه این مشکل را رفع کردم.

راهکار چهارم: ایجاد
فضای لازم برای نوشت
در کلاس

نبود فضای کافی برای نوشتند سرفصل‌های درس برای دروسی که نیاز به نوشتند داشتند باعث می‌شد پایه‌ای متظر بماند تا کار من با پایه دیگر تمام شود. برای رفع این مشکل نیز تصمیم گرفتم که از دوخته برای نوشتند در کلاس استفاده کنم. در ابتدا خواستم یک تخته متحرک و در کلاس قابل جایه‌جایی باشد. اما بدليل نبود فضای کافی برای حرکت دادن آن تصمیم گرفتم تخته‌ها به همان صورت ثابت باقی بمانند.

راهکار پنجم: تغییر در نحوه برگزاری آزمون‌های کلاسی

برگزاری آزمون‌ها در کلاس وقت‌گیر بود و هنگام اتمام آزمون می‌شدند. به همین دلیل، برگزاری آزمون‌ها را به خود دانشآموزان واکذار کردم، به این روش هر دانشآموز باید برای دانشآموز دیگر سؤالاتی را طرح

۱. ادرس عبدالهی آموزگار است و در سردشت کردستان خدمت می‌کند.
او و بلاگی هم دارد که به روز و قابل استفاده همکارانش است. نشانی
و بلاگ او چنین است:

www.topteach.blogfa.com